

اول ماه مه در ایران؛ ۹ دهه فراز و نشیب

فرید وحیدی

شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۸



بزرگداشت روز اول ماه مه در ایران، سی سال پس از تعیین این روز به عنوان روز جهانی کارگر آغاز شد. در نزدیک به ۹ دهه‌ای که از برگزاری این روز در ایران می‌گذرد، مراسم آن فراز و نشیب‌های زیادی به خود دیده است.

تاریخچه‌ی اول ماه مه، روز جهانی کارگر، با تحریکات و فعالیت‌های کارگری در قرن نوزدهم مرتبط است. در دهه‌های آخرین قرن هم اروپا و هم آمریکا

صحنه‌ای از راهپیمایی و تظاهرات کارگران ایران در روز اول ماه مه در سال‌های پیش

شاهد اعتصاب‌ها و اعتراض‌های کارگری برای خواست‌های مختلفی، از جمله ۸ ساعت کار در روز بودند.

در بخش‌هایی از اروپا این تلاش‌ها بی‌نتیجه نبود، اما در آمریکا مقاومت کارفرمایان مانع از تحقق خواست یادشده شد. از این رو فدراسیون سندیکای صنعتی و تجاری این کشور در کنگره‌ی سال ۱۸۸۴ خود انجام جنبشی گسترده و عمومی را برای محدود شدن ساعات اجباری کار روزانه کارگران تصویب کرد.

تدارک عملی این جنبش نزدیک به ۱۸ ماه به درازا کشید و بسیاری از سازمان‌ها و تشکل‌های کارگری و سوسیالیستی به همکاری و همگامی با آن جلب شدند. سرانجام، در چارچوب عملی کردن خواست محدودسازی ساعات کار کارگران به ۸ ساعت در روز، به کارفرمایان اولتیماتوم داده شد که اگر تا اول ماه مه ۱۸۸۶ به این خواست گردن نگذارند، در این روز با اعتصاب کارگران مواجه خواهند شد.

با بی‌اعتنایی کارفرمایان به این خواست، روز اول ماه مه ۱۸۸۶ نزدیک به ۳۵۰ هزار کارگر آمریکایی دست به اعتصاب زدند که حملات و سرکوب پلیس و بازداشت، محاکمه، زندان و اعدام شماری از کارگران را به دنبال داشت. به رغم این ناکامی، جنبش کارگری آمریکا از سال ۱۸۸۹ مجدداً تلاش و فعالیت برای تحقق ۸ ساعت کار روزانه را آغاز کرد و در همین سال «کنگره‌ی بین‌المللی سوسیالیست‌ها» یا انترناسیونال دوم، تصویب کرد که روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر نامیده شود.

اول ماه مه محملی برای طرح مطالبات کارگران

گرچه فعالیت‌ها و اعتصاب‌هایی که به تثبیت روز اول ماه مه به عنوان روز کارگر انجامیدند عمدتاً با تحقق ۸ ساعت کار در روز مربوط بودند، ولی در طول ۱۲ دهه‌ای که از تعیین این روز می‌گذرد، مبارزه و تلاش کارگران به عرصه‌ها و خواست‌های متفاوتی کشیده شده است. حق تشکل، بیمه‌های کاری، درمانی و بازنشستگی، قانون کاری که بهتر



مدافع حقوق کارگران باشد، تعیین یا افزایش حداقل دستمزد، مشارکت کارگران در تصمیم‌گیری‌های کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، برابری حقوق زنان و مردان در محیط کار و ایجاد شرایط بهتر برای اشتغال و استقلال مالی زنان، دفاع از امر صلح و مخالفت با جنگ، اعتراض به جنبه‌های منفی جهانی‌شدن و هدایت این روند به مسیر و مجرای عادلانه‌تر و ... از جمله خواسته‌هایی بوده‌اند که تشکل‌ها و نمایندگان کارگران در گوشه و کنار جهان به ویژه در مراسم و برنامه‌های اول ماه مه بر آنها تاکید و برای تحققشان فعالیت کرده‌اند.

روز اول ماه مه همچنان در بسیاری از کشورهای جهان روز تعطیل است که معمولاً با راهپیمایی و جشن و سخنرانی برای بهبود بیشتر وضعیت شاغلان همراه می‌شود.

اول ماه در ایران، تاریخی پر فراز و نشیب

در ایران برگزاری اول ماه مه تقریباً سی سال پس از تصویب این روز به عنوان روز جهانی کارگر آغاز شد. اولین گردهمایی به مناسبت این روز را «شورای مرکزی فدراسیون سندیکای کارگری» در سال ۱۳۰۰ برگزار کرد. به رغم رشد محدود طبقه‌ی کارگر در ایران در آن سال‌ها، فدراسیون یادشده ۸ هزار کارگر و کارکنان اداری را که در ۱۶ سندیکا گرد آمده بودند نمایندگی می‌کرد.

برگزاری اول ماه مه در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ کم و بیش ادامه داشت. سال ۱۳۰۸ شهرهای مختلف ایران شاهد برگزاری گسترده و بی‌سابقه این مراسم بودند. اعتصاب کارگران صنعت نفت نیز به این روز بعد تازه‌ای بخشید. این کارگران با اعتصاب خود در آبادان خواهان به رسمیت‌شناخته‌شدن تشکل‌های خود، تعیین حداقل دستمزد و به رسمیت‌شناخته‌شدن اول ماه مه به عنوان روز کارگر شدند.

از سال ۱۳۱۰ با تصویب قانون «مقابله با مرام اشتراکی» توسط حکومت رضاشاه، تعقیب و پیگرد فعالان کارگری و گروه‌های چپ‌گرا نیز شدت و شتاب بیشتری گرفت. بر همین اساس، برگزاری اول ماه مه و تلاش کارگران برای دستیابی به حقوق بیشتر نیز با مشکلات و موانع سختی مواجه شد.

اول ماه مه در دوره‌ی دموکراسی ناپایدار

با سقوط حکومت رضاشاه در سال ۱۳۲۰ و برقراری یک دموکراسی نیمه‌پایدار در سال‌های پس از آن، زمینه‌ی مساعدی برای بسط و گسترش تشکل‌های کارگری به وجود آمد. به علاوه، این دوران با رشد صنایع و افزایش کمی شمار کارگران ایران نیز همراه بود.

بر این اساس، برگزاری اول ماه مه و تلاش و تکاپوی کارگران برای دستیابی به حقوق و شرایط کاری بهتر نیز شدت و حدت بیشتری یافت. جشن اول ماه مه در تهران در سال ۱۳۲۵ که «شورای متحدۀ مرکزی سندیکاهای کارگری» آن را تدارک و برگزار کرد، بزرگترین جشن کارگری در تاریخ معاصر ایران تا آن زمان بود.



در این جشن که در آن نزدیک به ۸۰ هزار نفر شرکت داشتند، شادمانی از پایان جنگ جهانی دوم و نیز تاکید بر لزوم تحقق شماری از خواسته‌های کارگران در آن برجسته بود. مسکن بهتر، اعمال نظام حداقل دستمزد، افزایش

سهمی‌های جیره‌بندی، به رسمیت شناخته شدن اتحادیه، و تصویب یک قانون کار از جمله خواست‌های مطرح در تظاهرات تهران و دیگر شهرها بودند. اندکی بعد از این مراسم و برنامه‌ها، اولین قانون کار در ایران از تصویب گذشت.

سکوت نسبی ۲۵ ساله و تلاش برای مصادره‌ی اول ماه مه

با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، نه تنها این قانون ملغی شد، بلکه تشکل‌های کارگران و احزابی که خود را مدافع حقوق آنها می‌دانستند نیز به شدت زیر سرکوب و فشار قرار گرفتند و دولت جدید آنها را منحل اعلام کرد. روز اول ماه و برگزاری مراسم آن نیز در محاق تعطیل افتاد.

با این همه نسلی که در فاصله‌ی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ در جنبش کارگری ایران نقش و سهمی داشت، در دوران پس از کودتا نیز تلاش کرد تجارب آن دوره را به نسل‌های بعدی انتقال دهد و برگزاری ماه مه را ولو به صورت مخفی و در ابعاد کوچک هم که شده تداوم بخشد. حکومت شاه برای آن که مانع میدانند این گونه افراد و محافل در مجامع کارگری شود، خود به تدریج ابتکار عمل را در دست گرفت و روز اول ماه مه هر سال را نیز با مراسمی به استقبال رفت، بی آن که حق کارگران را در متشکل شدنشان به رسمیت بشناسد و یا در جهت مطالبات آنها گامی جدی بردارد. این در حالی بود که اقتصاد ایران بیش از پیش ساختار سنتی و کشاورزی خود را وامی‌گذاشت و صنعت سهم قابل اعتنایی در آن پیدا می‌کرد. به این ترتیب، شمار کارگران و کارکنان در بخش صنعت و خدمات نیز رو به افزایش بود. همزمان، سیل مهاجرت از روستاها هم ابعاد گسترده‌تری می‌یافت، بی آن که در شهرها متناسب با این سیل، ظرفیت‌های جذب و ایجاد اشتغال فراهم باشد.

بهار کوتاه اول ماه مه در پی انقلاب ۱۳۵۷

حضور فعال کارگران ایران و به ویژه کارگران صنعت نفت در انقلاب سال ۱۳۵۷ لزوماً باعث آن نشد که آنها به لحاظ حقوق اجتماعی، صنفی و مدنی خود در وضعیت کیفی متفاوتی قرار گیرند. در یکی دو سال پس از انقلاب که هنوز حاکمیت جدید اقتدار خود را به همه‌ی عرصه‌ها و حوزه‌ها نگسترده بود، تشکل‌های کارگری و احزاب و گروه‌های مدافع آنها هم از آزادی عمل معینی برخوردار بودند.



از همین رو، برگزاری اول ماه مه نیز در این سال‌ها ابعاد و تنوع گسترده‌ای داشت و بزرگترین تظاهرات گردهمایی‌های کارگری در تاریخ معاصر ایران هم در همین سال‌ها برگزار شدند.

با این همه قانون اساسی جدید پس از انقلاب حق تشکل صنفی مستقل را برای کارگران به رسمیت نشناخت و همه‌ی وظایف و اختیارات چنین تشکل‌هایی عملاً به انجمن‌های اسلامی کارگری خانه‌ی کارگر که استقلالی از حکومت نداشتند واگذار شد.

فضای ناشی از جنگ با عراق و به ویژه محدود شدن فزاینده‌ی آزادی‌های شکل گرفته در اثر انقلاب نیز، عملاً فعالیت مستقل کارگران را با مشکلات و موانع بیشتری مواجه کردند. در نتیجه برگزاری اول ماه مه نیز بیشتر جنبه‌ای حکومتی یافت و کمتر امکان برگزاری مستقل آن به وجود آمد. با این همه تلاش‌ها و مبارزه‌ی کارگران ولو با افت و خیز ادامه یافته است و اول ماه مه نیز معمولاً به این یا آن شکل، ولو به صورت محدود برگزار می‌شود.

مراسم این روز معمولاً به محملی برای بازخوانی تجربه‌ها و تعیین هدف‌ها و آماج‌های بعدی در مبارزه برای حقوق صنفی و مدنی کارگران بدل می‌شود. به ویژه در سال‌های اخیر، اول ماه مه مناسبتی بوده است برای تأکید مجدد بر لزوم تشکیل‌یابی مستقل کارگران، تعیین سطح دستمزدی متناسب با رشد تورم، حفظ و شمول قانون کار به حوزه‌های وسیع‌تر کارگری، ایجاد زمینه‌های بهتر برای اشتغال زنان و مخالفت با خصوصی‌سازی‌های مدیریت‌نشده و اخراج‌های بی‌محابا، گسترش شبکه‌ی تامین اجتماعی برای کارگران و ...

اول ماه مه در ایران برخلاف بسیاری از کشورهای جهان، تعطیل نیست و همچنان به صورت رسمی برخورد مثبتی با آن نمی‌شود. ولی حذف و به فراموشی سپردن آن هم ممکن نبوده است. برای کارگران ایران این روز همچنان مناسبتی است برای تأکید بر نقش و وزن خویش در حیات اجتماعی و اقتصادی کشور و پیگیری مطالباتی که تلاش و مبارزه برای تحقق آنها تاریخی صد ساله دارد.

*اعلامیه‌ی «شورای مرکزی فدراسیون سندیکای کارگری» به مناسبت اول ماه مه، سال ۱۳۰۱، یعنی در سال دوم برگزاری این روز ایران.

جشن اول ماه مه

در این روز که رنجبران و مظلومین تمام ممالک عید گرفته اند، نمایش می دهند، حقوق می خواهند دنیا را متزلزل کرده اند دولت ما نیز متمدن و مظلوم پرست معرفی شود.

حکومت هم از داخله محبوب القلوب ملت و هم در خارجه محبوب القلوب اکثریت تامه واقع گردد. این یک پیشنهادی است که به دولت می کنیم ولی چون می دانیم حکومت از حال ملت خبردار نیست و هر فکر جدید را هوا و هوس می داند باین واسطه آنقدر هم انتظار نداریم که از این تکلیف یعنی در اجرای قانون و رفع احتیاجات ملت عملاً از طرف دولت اقدامی بشود اما آنانکه قانون اساسی می خواهند آنانکه هر روز لایحه مهر کرده به اداره روزنامه ها می فرستند آن ها که حرارت به خرج می دهند. آنها که نجات ایران را در خاتمه دادن دوره ملوک الطوائفی، آقایی، اشرافی، دیکتاتوری می دانند باید امروز همین اول ماه مه تعطیل بکنند. همین روز سوم رمضان عزا بگیرند نه عید همین اول ماه مه که تمام مظلومین حقوق خود را مطالبه می کنند حقوق خود را مطالبه کنند.

اول ماه مه باید تعطیل بشود این تعطیل هرج و مرج نیست. این تعطیل انقلاب نیست. این تعطیل است که باید ملت از حکومت با زور حقوق خود را مسترد دارد.

این عید نیست بلکه این روز دادخواهی است.

این روزی است که دولت باید موجودیت ملت را بفهمد

باید به حکومت فهماند که تو نوکر ملت هستی باید موافق خواهش ملت رفتار کنی.

تو نمی توانی از آزادی قلم، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات جلوگیری کنی زیرا آن حق مشروع ملت است تو نباید بدون رضا و خواهش ملت برخلاف مصالح ملت بااجانب معاهده عقد کنی: زیرا آن حق راملت بتونداده است. تو نباید و نمی توانی حکومت را برای شخص خود آلت استفاده قرار داده اولاد و اتباع خود را وکیل کنی و قوم و خویش خود را در ادارات دولتی جابجا نمائی. مثل اینکه قوام السلطنه والی خراسان بود برادر و دوستان او انتخاب می شدند همینکه نظام السلطنه رفت پسر و دوستان او انتخاب میشوند، تو باید به امنیت مملکت کوشیده نگذاری دزد

و اشرار سلب امنیت از مردم نماید به ناموس و عزت نفس اهالی تجاوز کنند.
تو برای تفنن و گرفتن هزار تومان حقوق وزیر نمی شوی ملت تو را برای کار برای ابفای وظایف اجتماعی انتخاب کرده است.

این ها را باید به حکومت فهماند ما غیر از این نظری نداریم مقصود ما این است که حکومت خوب باشد نه بد.
ما می خواهیم ملت با حکومت باشد و حکومت با ملت نه اینکه مانند امروز مردم متنفر از حکومت و حکومت متوحش از ملت هر دو بیزار از یکدیگر باشند.
ما می خواهیم ملت و حکومت به کمک یکدیگر فلاکت سفالت و بدبختی های هزار ساله را خاتمه بدهند. ما کاندید تازه برای رئیس الوزرائی نداریم.

نویسنده: فرید وحیدی

تحریریه: بهنام باوندپور